

## چاپ انتشارات اساطیر از صد میدان خواجه عبدالله انصاری

◀ مهدی علیانی مقدم\*

در کتاب فروشی وقتی دست می‌برید و کتاب صد میدان چاپ انتشارات اساطیر را از توی قفسه برمی‌دارید، اولین چیزی که نظرتان را جلب می‌کند حجم کتاب است. اگر رساله صد میدان را در مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری (انصاری، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۵۵-۳۳۴) خوانده باشید، می‌دانید که این رساله در آن چاپ ۷۹ صفحه بیشتر ندارد؛ اما حجم آن در چاپ انتشارات اساطیر، و نیز سابقه درخشان این انتشارات در افست کتاب‌های کم‌یاب و امی‌دردتان تا چندان به عنوان فروتنانه «به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار» در پایین جلد توجه نکنید، و فی المجلس کتاب را باز کنید و در دم هم سرخورده شوید که کتاب حروف‌چینی جدید است، البته اگر مثل من به چاپ افست کتاب‌های کم‌یاب علاقه‌مند باشید. عناوین فهرست کتاب، به خصوص «شرح حال و آثار سرژ دولوژییه دو برکوی» (Serge de Laugier de Beaurcueil) و مقدمه نسبتاً مفصل او بر صد میدان، و «مقدمه چاپ کابل» آن قدر هست که به خریدن کتاب مجابتان کند.

کتاب را که برای خواندن به دست بگیرید مقدمه جریزه‌دار اولین چیزی است که اگر نخواهید از آن بگذرید، باید بخوانید. از آن جا که عنوان «به اهتمام» نظیر «به کوشش» و «به سعی» در نظام نشر ما چندان مفهوم روشنی ندارد، و دلالت‌های مختلفی از تصحیح متن (مثل «حافظ به سعی سایه») تا گردآوری و

کتاب‌سازی و جز آن را شامل می‌شود، بهتر است اول احتیاطاً یادداشت‌ها و مقدمه‌های افرادی را که نامشان بعد از این عناوین می‌آید بخوانید. جریزه‌دار نخست نسخه‌های صد میدان را بنا بر ترتیب شناسایی‌شان، و بعد چاپ‌های ششگانه صد میدان<sup>۱</sup> را از اولین چاپ، یعنی چاپ دوبورکوی (قاهره: ۱۹۵۴) تا چاپ سهیلا موسوی سیرجانی (تهران: ۱۳۸۶) در تهران ذکر می‌کند. چنانکه جریزه‌دار به درستی گفته، چاپ‌های عبدالحی حبیبی (کابل: ۱۳۴۱ و تهران: ۱۳۷۵) و عبدالغفور روان فرهادی (کابل: ۱۳۵۵) رسماً بر اساس چاپ دوبورکوی، و چاپ قاسم انصاری (تهران: ۱۳۷۲) به طور غیر رسمی بر اساس همان چاپ است. بعد از چاپ دوبورکوی، چاپ محمد سرور مولایی (تهران: ۱۳۷۲) تنها تصحیح معتبر است. امتیاز این تصحیح در این است که مولایی چاپ خود را بر اساس چهار نسخه خطی که کهن‌ترین آنها نسخه کتابخانه مراد ملا مورخ ۸۵۲ق است سامان داده و این نسخه از نسخه اساس دوبورکوی، نسخه کتابخانه علی پاشا مورخ ۹۰۴ق، کهن‌تر است. چاپ سهیلا موسوی سیرجانی بر اساس دو نسخه کهنی است که در اختیار سرور مولایی بوده، به علاوه سه چاپ حبیبی، انصاری و سرور مولایی.

جریزه‌دار در «ضرورت طبع چاپ و انتشار متن بورکوی» می‌نویسد: «چاپ اول صد میدان به واقع انتشار نیافت و جز معدودی آن را ندیدند، نه کار بورکوی را و نه نگاه و نظر او را...»



\* صد میدان، تألیف خواجه عبدالله انصاری  
\* تصحیح و تحشیه: سرژ دوبور کوی، به اهتمام:  
عبدالکریم جریزه دار  
\* انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، ۲۸۸ صفحه.

می‌گیرد، گیرم از نوع نازل آن. سؤال من این است که مگر کسانی چون عبدالحی حبیبی یا قاسم انصاری کاری جز این موارد بر روی چاپ دوبور کوی کرده بودند؟ محتاج به گفتن نیست که اگر ما کتابی را از کسی دوباره منتشر می‌کنیم، قاعده این است که کار او عیناً به شکلی که خودش تبویب و تدوین و تصحیح کرده عرضه شود، ولو در آن لغزش‌هایی هم وجود داشته باشد. اگر هرچه جز این باشد، مثل کاری از نوع «اهتمام» جریزه‌دار در نشر اثر دوبور کوی، دیگر نمی‌توان آن را به صاحب اصلی آن منتسب کرد، و این قبیل کارها، هرچند میزان تصرف را با همه قلّت در متن اصلی نیز نشان دهند، آثاری هستند براساس متن اصلی کتاب نه عین آن. بنا بر این جریزه‌دار می‌باید نام خود را در مقام مصحح بر روی جلد کتاب ذکر می‌کرد، تا مخاطبان کتاب آگاهانه‌تر نسبت به خرید آن تصمیم بگیرند. یا این همه بهتر بود عین متن مصحح دوبور کوی، از روی مجله باستان‌شناسی فرانسه در قاهره افسست می‌شد یا اگر نه جریزه‌دار نظرات خود را، که غالباً بر اساس چاپ مولایی است، در انتهای کتاب نقل می‌کرد، و متن را دست نخورده و بی هیچ تبویب و تنسیقی عرضه می‌کرد.

چیزی که بعد از مقدمه جریزه‌دار در کتاب آمده، «شرح حال و آثار سرژ لوژیه دوبور کوی» با ترجمه و نگارش مهرداد معماریان کاشانی بر اساس چند سایت اینترنتی است، و بعد از آن مقدمه دوبور کوی است بر صد میدان، به ترجمه ع. روحبخشان. اگر بر چاپ انتشارات اساطیر از کتاب صد میدان دوبور کوی فایده‌ای متصور باشد، از قبل ترجمه همین مقدمه است، که آن هم گاه

این زمان شایسته و بایسته است که صد میدان تصحیح استاد بور کوی، بعد از پنجاه و چند سال، از محقق فراموشی به در آید... استاد بور کوی عمری را بر سر تحقیق و پژوهش درباره زندگی و افکار و آثار خواجه عبدالله انصاری گذاشت و ... عشق دیرینه حقیر به پیر هرات<sup>۲</sup> و صد میدان، مرا واداشت تا بکوشم و متن مصحح صد میدان استاد بور کوی را آماده و تقدیم دوستداران عرفان خراسان و عاشقان فرهنگ ایرانی نمایم» (ص ۲۵). تا اینجای مطلب چیز نامنتظری از «اهتمام کننده» محترم چاپ دوبور کوی دیده نمی‌شود. او مثل همه اهتمام کنندگان ضرورتی را برای انتشار کتابی احساس کرده، و تصمیم گرفته آن را مجدداً منتشر کند. اما ادامه مطلبش ساز دیگری می‌زند، وی می‌نویسد: «این طبع صد میدان در اصل همان چاپ استاد بور کوی است که به شکل تازه‌ای تبویب و تدوین شده است که درین کار فضل تقدّم با استاد عبدالحی حبیبی است... در موارد معدودی در متن غلط آشکاری بود که با توجه سیاق جمله، نسخه اساس، نسخه بدل یا چاپ دکتر سرور مولایی اصلاح و در حاشیه متن را در دو قلاب [ ] نموده‌ام... در مواردی چند به ضرورت مفهوم جمله و به ذوق خود(!)، نسخه بدل و یا نسخه اساس را بر متن ترجیح دادم که همه آن موارد را در دو قلاب [ ] نموده‌ام...» (ص ۲۶). این که چاپ دوبور کوی به شکل تازه‌ای تبویب و تدوین شود، و در مواردی غلط آشکاری با توجه به سیاق جمله و نسخه بدل و چاپ دیگری تصحیح شود، و متن اصلی به حاشیه رود، و در مواردی هم عباراتی به صورت ذوقی و قیاسی اصلاح شود، مسائلی است که در قاموس نشر کتاب ذیل عنوان تصحیح انتقادی متن قرار



خالی از اشکال نیست. به این عبارت توجه کنید تا به عرضم برسید: «نخستین نکته‌یی که در مقام وجه مشترک میان صد میدان و منازل السائرین جلب توجه می‌کند، وقتی است که مؤلف با استفاده از نقل یک قول قرآنی مرتبط با موضوع برای به کارگیری اصطلاح، به کار برده است» (ص ۵۷). با این حال چنان که گفته شد، تنها قوت این چاپ به همین ترجمه است. بعد از مقدمهٔ دوبورکوی مقدمهٔ چاپ عبدالحی حبیبی نقل شده است.

پیش از وارد شدن به بررسی متن صد میدان، بهتر است درباب شکل و شمایل، و به اصطلاح جریزه‌دار «تبویب و تدوین» آن نیز چند کلمه‌ای سخن بگوییم. چیزی که در همان نظر اول در متن کتاب به چشم می‌آید، دست‌ودل‌بازی جریزه‌دار است در سطر بندی میدان‌های صد گانهٔ کتاب؛ به طوری که اگر بخواهید این ابواب را بدون تأمل و به سرعت تصفح کنید، گمان می‌کنید که با مجموعهٔ اشعاری از نوع اشعار احمد شاملو طرف هستید، که کلمات و جملات در سطوری کوتاه و بلند زیر هم نوشته شده‌اند. از همین روست که مثلاً کلمات دو میدان ۵۳ و ۵۴ در چاپ اصلی دوبورکوی، که تصویرش در صفحهٔ ۲۸ کتاب آمده، دو پاراگراف پنج شش سطری شده و در چاپ و چینش جریزه‌دار دو صفحه. به این نمونه‌ها توجه کنید:

«بصیرت قبول:

در نظارة تجارت

و علامات

و دلایل است.

و بصیرت اتباع:

در کتاب

و سنت

و آثار سلف است» (ص ۷-۱۳۶) و نیز این نمونه:

«و صدق را سه درجه است:

اول درجه ظاهر

و باطن

و غیب» (ص ۲۰۰).

این نوع سطر بندی‌ها در آثار دانشگاهی و پژوهشی هیچ جایگاهی ندارند، و اگر هم بعضاً در برخی چاپ‌های بازاری متون کهن به کار می‌روند، برای عامه‌پسند کردن آنهاست. سخنان خواجه عبدالله در صد میدان، معارف صوفیه‌اند و هیچ شاعرانگی به‌خصوصی ندارند، که بتوان آن‌ها را با تقطیع‌هایی از این دست، شعر قلمداد کرد. این که یک جملهٔ عادی سه کلمه‌ای، زیر هم نوشته شود، واقعاً چه قصدی جز افزودن ناروا بر حجم کتاب دارد؟

یکی از مشکلاتی که همواره در چاپ مجدد کتاب‌ها، با حروف‌چینی جدید، در کشور ما وجود دارد، مسألهٔ آشنای لغزش‌های مطبعی یا تایپی است، که کار را در قضاوت دربارهٔ اصل کتاب دشوار می‌کند. مثلاً در همین صد میدان چاپ

جریزه‌دار آمده: «اسناد این علم یافت است و نشان درستی آن سرانجام آن» (ص ۱۰۵). «اسناد» در چاپ سرور مولایی «استاد» ضبط شده است. آیا این خطای مطبعی است یا در چاپ اصلی دوبورکوی چنین بوده؟ وقتی می‌بینیم در همین چاپ اساطیر بسیاری از صفحات اصلاً شمارهٔ صفحه ندارد، چگونه می‌توان از ضبط کلمات اطمینان داشت. اما چنین مسائلی هرگز نمی‌تواند موجب شود که مثلاً ما ضبط «طرفة العین» را به صورت «طرفة العین» (ص ۱۰۵) با ضم طاء از قبیل اغلاط تایپی بدانیم. این خطا حتی به نظر نمی‌رسد از جانب دوبورکوی باشد، زیرا او آن قدر عربی می‌داند که منازل السائرین خواجه عبدالله را تصحیح کند.

ما چاره‌ای جز این نداریم که اغلاط موجود صد میدان چاپ اساطیر را به پای جریزه‌دار بنویسیم، و چنین چاپی را از آن دوبورکوی ندانیم؛ گرچه به هر حال ممکن است در چاپ دوبورکوی هم اغلاطی رخ داده باشد. در صفحهٔ ۱۰۶ آمده: «و به جای عذر نازان کرد که گفت: "و من لم یتب فاولئک هم الظالمون"». در چاپ سرور مولایی به جای «نازان» «نادان» ضبط شده، و نسخه بدل ش (= شهید علی پاشا) را که همان اساس دوبورکوی بوده، «عذر نازان» ضبط کرده (ص ۲۵۷). چنین اختلافی خطای مطبعی چاپ اساطیر است، یا چنین خطایی در چاپ دوبورکوی وجود داشته است؟ در صفحهٔ ۳۱۰۹ می‌خوانیم: «و نشان زندگانی کردن با خلق به صبر سه چیز است: به توانی ایشان از ایشان راضی بودن، و عذرهای ایشان را بازجستن، و داد ایشان از توانی خود بدادن». در چاپ سرور مولایی به جای «به توانی» در هر دو مورد «به توان» ضبط شده (ص ۲۵۹) و نسخه بدل ش را «به توانی» بدون کسره نقل کرده، و این افزودن کسره باید کار جریزه‌دار باشد، که ندانسته یابی که به «توان» افزوده شده مصدری یا چیز دیگری نیست، و آن بدل از کسرهٔ اضافه است، و این تکواژ شناخته شده‌ای در رسم الخط برخی نسخه‌هاست. در صفحهٔ ۱۱۸ جریزه‌دار «روزی نابیوشیده» را از روی چاپ سرور مولایی (ص ۲۶۴) به «روزی نابیوشیده» به درستی تصحیح کرده و فعلاً به این مسئله کاری نداریم که چنین تصحیحی، در چاپ متن دوبورکوی روا نیست، اما صحبت بر سر این است که چرا در مواضع دیگر این واژه را تصحیح نکرده؟ مثلاً در صفحهٔ ۱۳۲ آمده «و نیوشیده بشناختن»، که در چاپ سرور مولایی «بیوشیده بشناختن» است (ص ۲۷۰). باز در صفحهٔ ۲۰۱ آمده: «و آنچه نبوشی بینی»، که ضبط نسخهٔ اساس هم «نبوشی» بوده و واضح است که «بیوسی» صحیح است. از نمونه‌هایی که جریزه‌دار رسماً دست به تصحیح متن زده صفحهٔ ۱۲۶ پانوشت ۱۳ است، که جمله‌ای را به کل از متن به حاشیه برده، و از نسخه بدل جایگزین کرده. همچنین در صفحهٔ بعد یعنی صفحهٔ ۱۲۷ کسرهٔ بی‌جایی برای واژه زهد قرار داده: «و نشان زهد در خود سه چیز است»، و دقت نکرده چند سطر قبل هم همین ساخت و تعبیر برای «زهد در دنیا» و

نیز اشاره‌ای داشته باشم. این فهرست از آنجا که قرار است مثل متن صد میدان حجم کتاب، و به تبعش قیمت آن را بالا ببرد، حاوی اصطلاحاتی است که به راستی برای علاقه‌مندان به تصوف خواندنی است. به این اصطلاحات، که مشتق است از خروار، توجه کنید و اوقات خودتان را خوش کنید: آرام به نزدیک دوست، آزادی، آزرم داشتن، آهن نیاز، ابر نورباران، ارادت آخرت محض، ارادت حق محض، ارادت دنیای محض، از آشنایی تا دوستداری (در جمله: از آشنایی تا دوستداری هزار مقام است)، از آگاهی تا به گستاخی (در جمله: از آگاهی تا به گستاخی هزار منزل است)، اصبروا (در جمله: یکی بر بلاء «اصبروا» آن است)، اطلاع مستمع به قرآن، اطلاع مستمع علم، اقسام توبه، بازارگان، بیرون ماندگان از خانمان، پیرایه، پیرایه درستکاران، تخم بصیرت، تخم بیم، تخم تهمت (برای سایر موارد رک: ص ۲۶۷)، ترس بر امل، ترس بر طاعت، ترس بر وقت (برای سایر موارد رک: ص ۲۶۸)، تریاق، خزینة مرد، خروش واله، خلاصه مرد، فرار، قیمت تو، قیمت وی (مرد)، مردار و... ملاحظه می‌فرمایید که اصطلاحات عرفانی از نظر جریزه‌دار چه طیف وسیعی از کلمات عادی را در بر می‌گیرد. نکته پایانی اینکه عنوان روی جلد کتاب که وعده داده بود صد میدان با تصحیح و تحشیه دوبورکوی خواهد بود، راست نبوده و تحشیه‌ای در کار نیست. احتمالاً چنین خطایی از آنجا ناشی شده که جریزه‌دار تصحیح و تحشیه را چیزی از مقوله تصحیح و مقابله دانسته و بر او خرده‌ای نیست.

#### پی‌نوشت‌ها

- \* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.
۱. جریزه‌دار هفت چاپ را نقل کرده که دو تای آن‌ها از آن عبدالحی حبیبی است، یعنی چاپ تهران او حروف چینی جدید همان چاپ کابل است.
  ۲. پس از مقاله استاد شفیعی کدکنی در باب هویت پیر هرات به نام «پیر هری، غیر از خواجه عبدالله انصاری است!» (نامه بهارستان: شماره ۱۵، سال دهم، ۱۳۸۸، صص ۱۸۵-۱۹۲) می‌دانیم خواجه عبدالله انصاری کسی نیست که از او به پیر هرات یاد می‌کرده‌اند.
  ۳. مخاطبان این مقاله استحضار داشته باشند که برخی از شماره صفحاتی که در اینجا ذکر می‌شود، در کتاب وجود ندارد، و بنا بر شماره‌های پیش و پس صفحه مورد نظر شماره داده شده است.

#### کتاب‌نامه

- انصاری، خواجه عبدالله، ۱۳۸۸، صد میدان. تصحیح و تحشیه: سرژ دوبورکوی. به اهتمام: عبدالکریم جریزه دار. تهران: اساطیر. -----، ۱۳۷۲، مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری. به تصحیح محمد سرور مولایی. تهران: توس.

«زهد در خلق» به کار رفته و برایشان چنین کسره‌ای نگذاشته است. در صفحه ۱۳۶ آمده: «بصیرت قبول رسیدن تست به یافت آشنایی» (ص ۱۳۶)، و در اینجا «رسیدن» را به جای «رسید» که در متن بوده آورده، بی این که دلیلی برای آن ذکر کند. ظاهراً چون در چاپ سرور مولایی چنین آمده (ص ۲۷۲) جریزه‌دار نیز چنین ضبطی را ترجیح داده است. «رسید» مصدر مرخم است و همان معنای «رسیدن» را دارد، و اتفاقاً در ادامه جمله «یافت» هم به صورت مرخم به کار رفته است. وی همین تصحیح را در صفحه ۱۵۵ نیز روا داشته است. در صفحه ۱۴۸ آمده: «بتبل بازگشتن است. و آن سه چیز است با سه چیز: از دوزخ به بهشت و از دنیا به آخرت و از خود به حق». متن در اصل چنین بوده: «از دوزخ با بهشت و از دنیا به آخرت و از خود با حق»، اما جریزه‌دار ترجیح داده صورت کهن‌تر را به صورت جدیدتر تبدیل کند. احتمالاً خواسته دو صورت کهن را که حرف اضافه «با» دارند، به خاطر حرف اضافه «به» هماهنگ کند. جالب است که همین نگرش را در صفحه ۱۵۸، به صورت بر عکس اینجا اعمال کرده، یعنی در آنجا دو جمله، حرف اضافه «با» دارد، و یک جمله حرف اضافه «به»؛ او در آنجا «به» را (لابد به این دلیل که همیشه حق با اکثریت است) به «با» تبدیل کرده است. در مجموع جریزه‌دار تلاش کرده است متن را سر راست و یکدست کند. نمونه‌های دیگر این تلاش او را در صفحه ۱۹۳ می‌توان دید، که واژه «ادب» را به متن افزوده است، و در صفحه ۲۱۸ حرف اضافه «به» را به قول خودش «به سیاق عبارات پس و پیش افزوده». در صفحه ۲۴۱ عبارتی را که اصلاً نفهمیده چنین ضبط کرده است: «انبساط نزدیکی نیوشیدن و دیدار خواستن است». صورتی از «نیوشیدن» را گفتیم که یک جا به صورتی از «بیوسیدن» تصحیح کرده بود، اما اینجا نه تنها چنین نکرده، بلکه با کسره‌ای که به «نزدیکی» داده دست خودش را هم رو کرده است؛ در حالی که می‌توانست حالا که کمر به تصحیح صد میدان بسته است، از روی چاپ سرور مولایی چنین ضبط کند: «انبساط نزدیکی، بیوسیدن است و دیدار خواستن» (ص ۲۳۳). بر اهلس پوشیده نیست که چنین رفتاری در عالم تصحیح متن گناهی نابخشودنی است.

از مجموع آنچه نمونه‌وار به دست داده شد، مخاطبان در خواهند یافت که چاپ جریزه‌دار از صد میدان عیناً چاپ دوبورکوی نیست، و آنچه در انتشارات اساطیر منتشر شده در حقیقت تصحیح اعلام نشده پرغلط جریزه‌دار است بر اساس چاپ دوبورکوی. هر چند چنان که گفتیم چاپ دوبورکوی هم خالی از ایراد نیست، اما قضاوت درباره آن را باید به مواجهه بی واسطه با آن محول کرد. برای تصحیح متنی چون صد میدان که کهن‌ترین نسخه موجودش چهار قرن بعد از زمان تألیف است، تنها «عشق دیرینه به پیر هرات» کافی نیست. پیش از آنکه کلام را خاتمه دهم، برای حسن ختام هم که شده بد نیست به فهرست «تعریفات و تعبیرات عرفانی» کتاب